بخشش قاتل، ۲۴ سال پس از قتل

مردی که از ۲۴ سال قبل به اتهام قتل بازداشت شده بود و در زندان به سر می‌برد به مناسبت عید غدیر آزاد شد. این مرد سال ۸۱ به اتهام ارتکاب قتل در قرچک بازداشت و به قصاص محکوم شد. با گذشت ۲۴ سال از تشکیل پرونده این مرد با پیگیری رئیس کل دادگستری استان تهران و جلب رضایت اولیای دم از زندان آزاد شد.

مرگ ۲ دره‌نورد در ارتفاعات الموت

دره‌نوردی گروهی ۱۰ نفره از تهران و قزوین در ارتفاعات الموت پایان خوشی نداشت و با حادثه مرگبار برای ۲ نفر از آنها همراه شد. این حادثه دیروز (جمعه) در روستای پیچ‌بن در ارتفاعات الموت قزوین اتفاق افتاد و ۲ نفر از اعضای گروه شامل یک مرد و یک زن سقوط کردند و جان باختند. پیکر قربانیان با تلاش هلال احمر کشف شده است.

صفحه‌آرا: علی حسنی

انتظامی

شهادت مظلومانه مأمور پلیس در پاتوق موادفروشان

سارق موادفروش وقتی خود را در یک‌قدمی دستگیری دید، با شلیک گلوله، مأمور پلیس را به شهادت رساند.
به گزارش همشهری، شامگاه ۱۳ خردادماه به قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل تهران خبر رسید که در جریان تیراندازی در پاتوق معتادان، ستوان سوم محمد شاهی، مأمور وظیفه‌شناس کلانتری ۱۴۰ باغ‌فیض به شهادت رسیده است. این مأمور جوان برای مقابله با فعالیت غیرقانونی متهمان وارد عمل شده بود اما آنها با غافلگیر کردن وی، اسلحه سازمانی مأمور پلیس را تصاحب و با شلیک گلوله، او را به‌شدت مجروح کردند. هرچند مأمور جوان به‌سرعت به بیمارستان انتقال یافت، اما درنهایت به شهادت رسید. با حضور بازپرس و کارآگاهان جنایی در صحنه، تحقیقات آغاز و در کمتر از ۴ ساعت، رد یکی از عاملان اصلی به نام شایان در شهرک ولیعصر شناسایی شد. مأموران در عملیاتی ضربتی وارد مخفیگاه شدند و متهم را که در زیرزمین پنهان شده بود، پس از درگیری و شلیک گلوله به پایش، دستگیر کردند.
این متهم ۴۸ ساله که سوابق متعددی در زمینه موادمخدر و سرقت دارد، درباره انگیزه‌اش از این جنایت گفت: من به همراه ۲ نفر از همدستانم در حال مصرف مواد بودیم که ناگهان مأمور پلیس را بالای سر خود دیدیم. او از ما خواست تسلیم شویم، اما غیر از موادمخدر، اموال سرقتی هم همراه داشتیم و اگر تسلیم می‌شدیم، دوباره باید به زندان می‌رفتیم.
وی در ادامه افزود: وقتی متوجه شدیم مأمور تنهاست، او را محاصره و در یک لحظه غافلگیر کردیم و با زور اسلحه را از دستش گرفتیم. من شلیک کردم و می‌دانستیم که چون او درخواست کمک کرده، همکارانش به‌زودی می‌رسند و دستگیر می‌شویم، بنابراین بلافاصله فرار کردیم.
شایان گفت: هرگز تصور نمی‌کردم ۴ ساعت بعد دستگیر شوم. من سارق و موادفروش هستم، اما دلم نمی‌خواست مرتکب قتل شوم و حالا به‌شدت از این جنایت پشیمانم.
در حال حاضر با دستور قضایی، تلاش برای دستگیری ۲ همدست فراری متهم ادامه دارد.

داخلی

طناب دار بر گردن قاتل مأمور پلیس

مرد شرور که در جریان درگیری‌های دی سال گذشته، یکی از مأموران پلیس را در همدان به شهادت رسانده بود قصاص شد. به گزارش همشهری، ۱۸ دی ۱۴۰۵ در جریان ناآرامی‌های خیابانی در همدان، سرگرد محمدجواد بخشیان در حالی که مجروح شده و روی زمین افتاده بود زیر مشت و لگد اشرار قرار گرفت و یکی از آنها با ضربه چاقو او را به شهادت رساند.
به‌دنبال این جنایت، تحقیقات در این‌باره آغاز و عامل جنایت به نام فتح‌الله آوری دستگیر شد. در جریان دستگیری متهم چاقو، هودی مشکی آغشته به خون و همچنین همان کتانی سفیدرنگی که در تصاویر دوربین‌های مداربسته محل حادثه مشاهده شده بود، کشف شد. متهم در بازجویی‌ها با جزئیات به جنایتی که مرتکب شده بود اعتراف کرد. او که فردی سابقه‌دار بود در نهایت به قصاص محکوم و با قطعی شدن رأی در دیوان‌عالی کشور مجازات شد.

سرنوشت تلخ نوجوان گمشده

۴ روز پس از مفقود شدن پسری نوجوان در ارتفاعات قصرقند تیم‌های جست‌وجو پیکر بی‌جان او را کشف کردند.
به گزارش همشهری، این نوجوان ۱۲ ساله که عذیر بلوچی‌مهر نام داشت و در روستای سراوانی بازار شهرستان قصرقند واقع در استان سیستان و بلوچستان زندگی می‌کرد ۱۱ خردادماه همراه برادرش راهی ارتفاعات شد تا عسل کوهی جمع‌آوری کند. آنها مدتی بود که از ارتفاعات عسل جمع‌آوری می‌کردند. ۲ برادر در حال جست‌وجو بودند که از یکدیگر جدا شدند. برادر بزرگ‌تر چند مرتبه عذیر را صدا کرد اما جوابی نشنید. او جست‌وجوی عسل را رها کرد و این بار به جست‌وجوی برادرش پرداخت اما هرچه تلاش کرد نتوانست او را پیدا کند. در این شرایط ماجرا را به خانواده و اهالی روستا خبر داد و از آن روز جست‌وجوی دسته‌جمعی آغاز شد تا اینکه سرانجام بعد از ۴ شبانه‌روز تلاش پیکر بی‌جان پسر نوجوان در ارتفاعات کشف شد. تحقیقات برای روشن شدن علت فوت عذیر ادامه دارد.

دایی خانواده از ناگفته‌های شکنجه ۲ خواهر سنندجی توسط پدر و نامادری‌شان می‌گوید

روایت نجات نارین و آیلین از خانه وحشت

شرح: دادستان سنندج به عیادت نارین رفت

گزارش

فتانه احدی | روزنامه‌نگار | دایی ۲ دختر ۱۵ و ۷ ساله سنندجی که مدت زیادی توسط پدر و نامادری‌شان در دستشویی خانه حبس شده بودند، جزئیات تازه‌ای از این حادثه هولناک بازگو کرد.
به گزارش همشهری، روز سه‌شنبه ۱۲ خرداد، وقتی همسایه‌ها در محله حاجی‌آباد سنندج چندین بار با پلیس و اورژانس اجتماعی تماس گرفتند و گفتند نگران وضعیت ۲ خواهری هستند که از سوی پدر و نامادری‌شان شکنجه می‌شوند، تیمی از مأموران راهی محل شدند. همسایه‌ها پیش از این هم چندبار با پلیس و اورژانس اجتماعی تماس گرفته بودند اما هر بار که مأموران در مقابل خانه حاضر می‌شدند، پدر و نامادری آنها اجازه نمی‌دادند کسی وارد خانه‌شان شود. اما این بار ماجرا متفاوت بود. چرا که به گفته همسایه‌ها یک ماه از ۲ دختربچه خبری نبود.

عملیات نجات

ماموران پلیس پس از حضور در محل، هر چه زنگ در را زدند، جوابی نشنیدند. در این شرایط با دستور قضایی از راه پشت بام وارد خانه شدند و ۲ خواهر ۷ و ۱۵ ساله را در شرایط هولناکی در سرویس بهداشتی پیدا کردند. هر دو خواهر به بیمارستان منتقل شدند و ویدئوی این نجات در فضای مجازی خشم عمومی را برانگیخت.

بازداشت پدر

فرماندار سنندج، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان، مدیرکل بهزیستی و استاندار کردستان هر کدام جداگانه دستوراتی برای پیگیری ماجرا صادر کردند. به گفته مدیرکل بهزیستی کردستان، پدر این کودکان هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد و نامادری‌شان به‌دلیل داشتن کودک خردسال در حبس خانگی به‌سر می‌برد. همچنین استاندار کردستان اعلام کرد که یک واحد آپارتمان به ۲ خواهر سنندجی اهدا شده تا در کنار مادر خود با آرامش زندگی تازه‌ای را آغاز کنند.

ماجرای غم‌انگیز

سامان قمری، دایی ۲ دختر سنندجی در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: خواهرم نگین، ۳ سال پیش، وقتی شوهرش با زنی دیگر ازدواج کرد، ناچار به جدایی شد. از همان سال وکیل گرفت و بارها مراجعه قضایی کرد تا بتواند حضانت دخترانش به نام‌های نارین و آیلین را بگیرد، اما موفق نمی‌شد.
او می‌افزاید: در یک سال اخیر نیز با نقض قوانین ملاقات فرزندان از سوی شوهر سابقش، نتوانست دخترانش را ببیند. این در حالی بود که در این مدت از سوی همسایه‌ها حرف‌هایی در مورد شکنجه دخترانش می‌شنید که بیشتر او را نگران می‌کرد. در این شرایط چندبار مقابل خانه آنها رفت اما شوهرش او را تهدید می‌کرد و اجازه نمی‌داد دخترها را ببیند. این ماجرا ادامه داشت تا اینکه با قطع اینترنت و تعطیل شدن مدارس، دسترسی به خواهرزاده‌هایم کاملا غیرممکن شد.
دایی دختران ادامه می‌دهد: مدتی قبل یکی از همسایه‌ها متوجه شده بود که پدر، نارین را درحالی که در آغوش داشت و او توان راه رفتن نداشته، به بیرون از خانه برده بود. خواهرم و همسایه‌ها با شنیدن خبر مقابل خانه آنها رفتند اما شوهر سابق خواهرم با قمه آنها را تهدید کرد. او دختر بزرگش نارین را تهدید می‌کرد که به همه بگوید حالشان خوب است. حتی وقتی از مدرسه هم پیگیر وضعیت او شدند، نارین از روی ترس و به‌خاطر تهدیدهای پدر و نامادری‌اش جرأت نکرده بود که بگوید وضعیت بدی دارند. تا اینکه روز حادثه وقتی ماموران پلیس از پشت‌بام وارد خانه شدند، نارین و خواهرش را که در سرویس بهداشتی و در بدترین شرایط حبس شده بودند پیدا کردند. همان روز هر دو دختر به بیمارستان منتقل شدند. آیلین که صدمات کمتری داشت، مرخص شد اما نارین برای معالجه در بیمارستان بستری است. او می‌افزاید: نارین دارای شکستگی فک، لگن و ران است به‌طوری که پاهایش و فکش از حالت طبیعی خارج شده‌اند. موها و پوست سرش کنده شده است. آثار سوختگی و ضرب و شتم در بدنش دیده می‌شود. در این ۳ سال بارها از شوهر سابق خواهرم خواستیم دختران را به خواهرم بدهد. خواهرم نیز در همه این مدت به‌دنبال گرفتن حضانت بچه‌ها بود و بالاخره توانست ۳-۲ روز قبل از رهایی بچه‌ها، حضانت آنها را بگیرد. نامادری بچه‌ها ۲ پسر دوقلوی ۹ ساله از همسر قبلی خود داشت و یک پسر یک‌ساله از شوهر سابق خواهرم دارد و حتی دوقلوها هم از ترس پدر و مادر نمی‌توانستند درباره وضعیت دخترها با کسی صحبت کنند. از طرفی پدر نارین با خانواده خود نیز قطع رابطه کرده بود تا کسی از این وضعیت مطلع نشود.

وقتی همسایه‌ها فرشته نجات شدند

یکی از همسایه‌های دختران سنندجی می‌گوید: در مدت ۲ سالی که نارین و آیلین با پدر و نامادری‌شان در این محله ساکن شده بودند، ما به رفتار پدر و نامادری با دختران مشکوک شده بودیم. وقتی متوجه شدیم که آنها شکنجه می‌شوند، مادر بچه‌ها را پیدا کردیم و این موضوع را با او در میان گذاشتیم. مادر به مراجع قضایی مراجعه کرده بود تا بتواند حضانت بچه‌ها را بگیرد. اما بچه‌ها به‌خاطر تهدیدهای پدر گفته بودند که می‌خواهند با او زندگی کنند. از طرفی هر بار که ما اورژانس اجتماعی را خبر می‌کردیم، نارین از ترس پدرش می‌گفت مشکلی ندارند تا اینکه درنهایت با اصرار همسایه‌ها و مادر بچه‌ها، حکم ورود به منزل صادر شد و بچه‌ها نجات یافتند.

آغاز احداث مسیر جایگزین پل B1

داریوش باقرجوان، مدیرکل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای البرز: برای کاهش ترافیک و تسهیل تردد شهروندان احداث مسیر جایگزین پل شهید رئیسی (B1) کرج در مجاورت آن کلید خورد. عملیات احداث کنارگذر پل B1 در حال انجام است.

برای حفاظت از هلیا و توله‌هایش آهسته برانید

سعید یوسف‌پور، مدیرکل حفاظت محیط‌زیست استان سمنان: براساس پایش‌های میدانی، احتمال دارد «هلیا» یوزپلنگ ماده به همراه ۳ توله خود در مسیر جابه‌جایی بین زیستگاه‌های میاندشت و توران، به محدوده جاده عباس‌آباد- میامی نزدیک شود. رانندگان به‌ویژه در ساعات غروب، شب و بامداد در این مسیر آهسته برانند.

صفحه‌آرا: بهروز قلی‌پور

کوتاه تر از گزارش

محمود مولایی؛ روزنامه‌نگار

قصه شهدای میناب در کتاب‌های درسی

مدیرکل آموزش و پرورش هرمزگان چند روز پیش از آغاز فرایند تدوین محتوای کتاب‌های درسی سال ۱۴۰۶ با محوریت روایت‌های شهدای «شجره طیبه میناب» خبر داد و گفت که علاوه بر تلاش برای درج تصاویر این شهدا پشت جلد کتاب‌های سال تحصیلی ۱۴۰۶-۱۴۰۵، دبیرخانه‌ای ویژه برای جمع‌آوری روایت‌ها، مصاحبه با خانواده‌ها و مستندسازی فرهنگی این حادثه تشکیل شده است.
منوچهر ضیایی با بیان اینکه این یک کار بسیار دشوار، زمانبر و البته ضروری است، به همشهری گفت: «۲ جلسه با معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی برگزار شده است. در این نشست‌ها قرار شد روایت خانواده‌های شهدای این حادثه از جنبه‌های مختلف جمع‌آوری، ثبت و برای بررسی و بهره‌برداری به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی ارسال شود.» تیمی برای ثبت روایت‌ها و مصاحبه با معلم‌ها و خانواده‌ها تشکیل و کار مصاحبه شروع شده است. منوچهر ضیایی توضیح داد: «در گام نخست، ۱۰ خانواده برای انجام مصاحبه انتخاب شده‌اند. همچنین از میان معلمان مرتبط با این حادثه نیز ۱۰ نفر انتخاب شده‌اند و روند مصاحبه با آنها آغاز شده است. همچنین فیلم‌ها و مستندهای موجود از حادثه برای وزارت آموزش و پرورش ارسال می‌شود تا با رعایت ضوابط و استانداردهای لازم، زمینه تولید محتوای آموزشی مناسب فراهم شود.» مدیرکل آموزش و پرورش هرمزگان با بیان اینکه حجم قابل توجهی از محتوا باید در اختیار دفتر تالیف قرار گیرد، گفت: «هدف این است که از دل این روایت‌ها و مستندها، محتوایی اثرگذار و آموزشی استخراج شود. همچنین براساس مصوبه‌های انجام‌شده، موضوع مدرسه میناب و شهدای آن به‌طور قطع در کتاب‌های درسی سال تحصیلی ۱۴۰۶ گنجانده خواهد شد.» او با بیان اینکه برنامه‌ریزی بر این اساس است که همه دانش‌آموزان کشور با این حادثه و ابعاد آن آشنا شوند، گفت: «بخشی از این محتوا به تشریح روایت دانش‌آموزان شهید و آنچه به‌عنوان جنایتی بزرگ از سوی آمریکا رخ داده اختصاص خواهد داشت، بخش دیگر نیز به روایت فداکاری معلمان شهید می‌پردازد که تا آخرین لحظات در مدرسه ماندند و از دانش‌آموزان خود محافظت کردند و همچنین بخشی از محتوا به زندگی، ویژگی‌ها و خاطرات دانش‌آموزان شهید اختصاص خواهد یافت.»

یادداشت

هفته محیط‌زیست

با تعارف نمی‌توان تاب‌آور بود...!

نیما فرید مجتهدی | هواشناس | در زمانه‌ای که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد آن را فرای مرزهای گرمایش جهانی «دوره جوشش جهانی» نامیده است، بدون‌شک هرآنچه معیارهای مقابله با عواقب تغییر آب‌وهوا و پدیده‌های حدی بوده، تشدید توجه و کار بیشتر را می‌طلبد اما نگاهی به عملکرد انسان ایرانی (ملت و دولت) نشان می‌دهد که این «تشدید توجه» تنها در حد «ابراز تأسف» بوده و گامی فراتر نهاده نشده است.
امروزه اگر تب شرایط ترسالی امسال (سال آبی جاری) را از حواس جمعی مردم ایران کنار نهیم، کمتر کسی است که نداند این کشور در تنور جوشان گرمایش جهانی در حال سوختن است. بنا به اطلاعات سازمان هواشناسی پهنه ایران‌زمین ۲ درجه نسبت به بلندمدت گرم‌تر شده است؛ عددی فراتر از مقادیر جهانی آن، بنابراین اگر از چوپانی در دوردست‌های کوهستان و کشاورزی در لبه کویر و استاد دانشگاهی جویا شوی، همگی بدون‌شک با نگاهی به شرایط محیطی کشور می‌دانند که رفتارهای آب‌وهوایی ایران تغییر کرده است. پس در این شعار می‌توان بخش «آگاهی» را به شکل پیش‌فرض پذیرفته‌شده و تجربه‌شده به‌حساب آورد. به بیان بهتر، خود طبیعت کاری کرده که ما بدانیم گرمایش جهانی و تغییر اقلیم چیست و چه اثراتی دارد! همه می‌دانند و دریغ از یک آگاهی عملگرایانه؛ حتی مراکز دانشگاهی و دستگاه‌های متولی منفعل‌اند و تنها در حد تبلیغات دستوری به این امور می‌پردازند. به لطف گوشی‌های هوشمند که تا دوردست‌ترین مناطق کشور نفوذ کرده، هشدارهای آب‌وهوایی به سرعت و به وفور به‌دست مخاطب می‌رسد و شاید بتوان گفت این تنها جنبه مثبت در زمینه تغییرات آب‌وهوایی در دهه‌های اخیر است. در این زمینه هم از لبه دیگر بوم فروافتاده‌ایم؛ به‌گونه‌ای که اخبار زرد هواشناسی و شایعات آن به شکل سرسام‌آوری فضای رسانه‌ای را پر کرده‌است. در این میان بخش تاب‌آوری پرچالش‌ترین مشکل ایران را نمایان می‌کند. کشوری که با توجه به سابقه خود در زمینه سازگاری با شرایط خشک فلات ایران با فناوری‌هایی چون قنات، آب‌انبار، بادگیر، آسباد و... خود سردمدار آن بوده‌است، به لطف صد سال بی‌توجهی به توان بومی خود و سرخوش از پول نفت، امروزه یکی از کم‌تاب‌آورترین کشورها در یکی از متاثرترین مناطق از تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی است. گرمایش جهانی و تغییر آب‌وهوا یک ابرچالش برای ماست؛ ابرچالشی که شاید در منشأ نامرئی باشد در اثر عمیق است؛ عمیق و خورنده چون سرطان.

در مسابقات کشت نشا برای بانوان ۱۵۰ بسته نشا در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد و برنده فردی است که کشت سنتی نشا را در کوتاه‌ترین زمان به پایان برساند

ستاره‌های شالیزار

جوانان مازنی قبل از کشت نشا در شالیزار پابه توپ می‌شوند و مسابقات فوتشال برگزار می‌کنند

گزارش

راحله عبدالحسینی | روزنامه‌نگار | فوتشال از ۱۲ سال پیش در روستاهای مازندران پا گرفت و حالا به ورزشی پرطرفدار تبدیل شده‌است. فوتشال همان فوتبال در شالیزار است که از اوایل خرداد به‌مدت یک‌ماه و با هدف یادآوری سختی کار شالیکاران با قاعده و قانون خاص خودش برگزار می‌شود. به‌زودی مسابقات لیگ فوتشال هم در مازندران برگزار می‌شود.

برگزاری لیگ فوتشال

فقط چند دقیقه از سوت آغاز فوتشال گذشته که سرتاپای بازیکنان ۲ تیم گلی می‌شود، اما تشویق تماشاچیان و شوق و هیجان بازیکنان، فضای معطر شالیزار را پر کرده‌است. قدمت مسابقات فوتشال در مازندران به حدود ۱۲ سال پیش و روستای دامیر در ساری برمی‌گردد. دبیر هیأت ورزش روستایی مازندران از استقبال از این ورزش بومی در روستاهای استان خبر می‌دهد و به همشهری می‌گوید: «فوتشال به‌قدری مورد استقبال جوانان قرار گرفته که تقریبا در همه روستاها قبل از نشاکاری در شالیزار این مسابقه برگزار می‌شود. قصد داریم به‌زودی لیگ مسابقات فوتشال را بین ۱۰ شهرستان از ۲۲ شهرستان استان برگزار کنیم.»

رنج شالیکاری

پابه‌توپ‌شدن در شالیزار کار آسانی نیست. دویدن در گل‌ولای شالیزار و مدام زمین‌خوردن سرعت بازیکن را کم می‌کند. دبیر هیأت ورزش روستایی مازندران مهم‌ترین هدف طراحی این بازی را یادآوری سختی کار شالیکاران می‌داند و می‌افزاید: «در فصل نشاکاری شالیکاران با ۶۰ تا ۷۰ سال سن حداقل روزی ۴ ساعت در شالیزار کار می‌کنند، درحالی‌که گاهی جوانان ۲۰ ساله از عهده نیم‌ساعت بازی در شالیزار برنمی‌آیند. فوتشال اهمیت کار سخت و ارزشمند شالیکاران را به ما یادآوری می‌کند.»
اسامی تیم فوتشال هم از روی ادوات کشاورزی مانند تراکتور، تیلر، کمباین، نشاکار و... انتخاب می‌شود تا توجه بیشتری به روند تولید برنج شود.

یک ورزش سراسر هیجانی

ایوب ایمانی، از بازیکنان فوتشال، این بازی را یک تفریح مهیج می‌داند و به همشهری می‌گوید: «در سراسر بازی صدای خنده تماشاچیان و بازیکنان قطع نمی‌شود. راه‌رفتن و دویدن در گل و مدام زمین‌خوردن در کل بازی جریان دارد؛ بیشتر هم قدرت بدنی مهم است تا تکنیک‌های فوتبالی. گروه سنی خاصی هم ندارد؛ هم شالیکاران و کشاورزان میانسال و هم جوانان طرفدار این بازی هستند.»

قوانین فوتشال

ابعاد زمین فوتشال ۲۴ در ۴۶ متر با دروازه‌ای به ابعاد ۲ در ۴ متر درنظر گرفته می‌شود. محوطه جریمه زمین فوتشال ۶ متر از عرض زمین با پرچم مشخص می‌شود و فاصله نقطه پنالتی تا دروازه ۵ متر است.
هر تیم ۵ بازیکن اصلی، ۵ ذخیره، سرپرست، سرمربی، کمک‌مربی، تدارکات و پزشک دارد که در ۲ وقت ۱۵ دقیقه‌ای با هم رقابت می‌کنند.
مساوی در این بازی جایی ندارد و چنانچه نتیجه مساوی باشد، پنالتی آن‌قدر تکرار می‌شود تا برنده مشخص شود. برنده بازی فوتشال ۳ امتیاز و بازنده یک امتیاز کسب می‌کند. در بازی فوتشال ۵ داور قضاوت می‌کنند و هر تیم فوتشال بیمه ورزشی روستایی می‌شود.

مسابقات ویژه بانوان مازنی

در مسابقات فوتشال جای خالی بانوان دیده می‌شود، درحالی‌که بخش زیادی از زحمت تولید برنج بر عهده بانوان است.
دبیر هیأت ورزش روستایی مازندران درباره حضور بانوان در مسابقات می‌گوید: «مسابقات کشت نشا برای بانوان تدارک دیده‌ایم که به‌زودی شاهد برگزاری آن نیز خواهیم بود. در این مسابقه ۱۵۰ بسته نشا در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد و برنده فردی است که کشت سنتی نشا را در کوتاه‌ترین زمان به پایان برساند.»
مسابقات تیلرانی هم بعد از نشاکاری از دیگر مسابقات خاص مازندران است که به گفته ایرج روحی برای ایجاد نشاط در جوامع روستایی برگزار می‌شود.